

کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی

Archive of SID

فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، ص‌ص ۲۵-۱

تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه:
مقایسهٔ تطبیقی خانه در محلهٔ مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان

غلام‌حسین معماریان[1]
دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
سید مجید هاشمی طغرالجردی[2]
دانشجوی دکتری معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت و عضو هیئت علمی دانشگاه ولی‌عصر (ع)
حسام کمالی‌پور[3]
دانشجوی کارشناسی‌ارشد معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۱/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۲/۱۲

چکیده

مطابق با دیدگاه بسیاری پژوهشگران، «فرهنگ» عامل اصلی شکل‌گیری خانه است و نقش مهمی در پایداری اجتماعی دارد، لذا مطالعهٔ فرهنگ‌های دینی برای شناخت الگوهای رفتاری اقوام و مذاهب گوناگون اهمیت می‌یابد. با وجود این، عوامل تأثیرگذار فرهنگ بر محیط انسان‌ساخت در شهر کرمان، که تکثر فرهنگی و محلات مسکونی متعلق به مسلمانان، زرتشتیان و کلیمیان دارد، کمتر مطالعه شده است. این مطالعات می‌تواند برنامه‌ریزان را در تدوین ضوابط راهنمای طراحی و نوسازی این محلات یاری کند. این مقاله با الگویی ترکیبی، ابتدا با استفاده از متون مقدسی همچون قرآن کریم و با تحلیل منطقی، به موضوع حریم و مهمان‌نوازی در فرهنگ اسلامی پرداخته و تأثیر آن‌را بر شکل‌گیری خانه‌های محلهٔ مسلمانان بیان می‌کند. سپس افزون بر مطالعات قوم‌نگاری، با مراجعه به اوستا و تورات نشان می‌دهد که چون فضای معماری قابلیت فرهنگ‌پذیری دارد و فرهنگ نیز در قالب فضای کالبدی به ظهور می‌رسد، لایهٔ اول تأثیرگذار بر معماری خانه‌های کرمان، ناشی از فرهنگ اسلامی (به‌عنوان فرهنگ حاکم) و در اصولی همچون حفظ حریم خصوصی، رعایت حقوق همسایه و تکریم مهمان است. لایهٔ دوم مؤثر، که در معماری خانهٔ یهودیان و زرتشتیان دیده می‌شود، براساس عقاید و رسوم مذهبی آنها با بازتعریف و حدودبخشی به این اصول، شکل‌گیری فضاهای فعالیت اختصاصی را برای رسیدن به امنیت، تأمین معیشت و رعایت دستورات شریعت در رابطه با زنان و هم‌کیشان موجب شده است. ادامهٔ این تحقیق، به‌دنبال شناخت روش تبدیل یافته‌های نظری این مقاله به ضوابط اجرایی راهنمای طراحی است.

واژه‌های کلیدی: حریم خصوصی، حق همسایه، خانهٔ زرتشتیان، خانهٔ مسلمانان، خانهٔ یهودیان، فرهنگ دینی، مهمان‌نوازی.

1. memarian@iust.ac.ir
2. m_hashemi@iust.ac.ir
3. kamalipour@arch.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه و طرح مسئله

در دهه‌های اخیر، بافت محلات شهرهای فرهنگی‌هویتی ایران، همانند کرمان، با فروش تراکم و ساخت آپارتمان‌های نامتجانس با محیط و فرهنگ عمومی شهر، به‌شدت دگرگون شده است، درصورتی‌که برای پایداری اجتماعی سکونت‌گاه‌های کنونی ما ضروری است تا نظام و فرهنگ حاکم بر خانه و محلات گذشته، که محصول تعامل انسان با محیط انسان‌ساخت بوده است، حفظ و بازشناسی شود. زیرا در رابطه‌ای دوطرفه، محیط کالبدی به رفتار انسان شکل می‌دهد و هرنوع عمل و رفتار انسانی، محیط کالبدی مناسب خود را می‌طلبد. در این میان، روان‌شناسی محیطی و شاخه‌های مرتبط با آن، با هدف درک رابطهٔ حریم خصوصی با عرصه‌های زندگی اجتماعی، رفتار انسان را مطالعه می‌کند؛ رفتاری که ناشی از انگیزش‌های درونی و تعالیم دینی است.

نکتهٔ اصلی حوزهٔ روان‌شناسی بوم‌شناختی نیز اهمیت‌دادن به ابعاد کالبدی‌فضایی محیط، به‌منزلهٔ تعیین‌کنندهٔ اعمال انسان و روابط بین‌فردی، درون‌گروهی و اجتماعی است. زیرا انسان و محیط هر دو به‌شکلی پویا، در قالب کلی واحد، موجب تعریف و تکامل یکدیگر می‌شوند. براساس مفهوم بوم‌شناسی کامل یا نگاه همه‌جانبه به عوامل مؤثر بر طراحی، معماری پایدار را می‌توان براساس سه عامل مؤثر طبیعی، فرهنگی و فناوری بررسی کرد. شناخت وجه فرهنگی معماری پایدار از مطالعهٔ فرهنگ‌های محلی، روح مکان و توازن میان عوامل فرهنگی به‌دست می‌آید (عینی‌فر، ۱۳۸۷: ۱۳۳–۱٤۱).

اطلاعات دقیق از اقوام گوناگون، تفاوت‌ها و الگوهای رفتاری فردی و گروهی آنها، طراحان را از تصور ذهنی غیرواقعی به امور تأثیرگذارتر در فرایند طراحی محلات راهنمایی می‌کند که این ارتقاء فکری در کنار مواردی همچون شناسایی الگوهای پایه، معرفی هسته‌های اصلی خانه در هر شهر و اقلیم و شناسایی روش‌های گوناگون انطباق بافت‌های مسکونی با سایت پیرامون، موجب بهبود ظرفیت‌های میراث معنوی و تاریخی بستر اطراف اثر می‌شود و به پایدارساختن معماری کمک می‌کند.

پایبندی معماران به وجوه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که «طراح به‌منزلهٔ پرورش‌دهنده، موجب تقویت پیوندهای مردمی می‌شود. زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط با توجه کامل به وجوه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است» (گروت و وانگ، ۱۳۸٤: ۱۱۷). این مقاله با قائل‌شدن اولویت برای فرهنگ در شکل‌دهی به معماری، ابتدا به تعالیم اسلامی و تأثیر آنها بر شکل خانهٔ مسلمانان توجه می‌کند و سپس تأثیرپذیری

فصلنامه علمی-پژوهشی
۲
دوره سوم
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۹

www.SID.ir

Archive of SID

خانهٔ زرتشتیان و یهودیان کرمان را از این فرهنگ نشان می‌دهد. الگوهای رفتاری حاکم بر مذاهب گوناگون، تشابه و تفاوت‌های معناداری را در خانه‌های این شهر موجب شده است. به‌عبارتی، روابط فردی‌اجتماعی تابعی از مذهب و فرهنگ بوده و «فضای فعالیت» تحت‌تأثیر این فرهنگ‌ها شکل گرفته و مشخص شده است.

از موضوعات مهمی که در این مقاله و در بازشناسی خانه‌های سنتی دیده می‌شود، توجه همزمان آنها در ایجاد الگوی مناسبی برای رعایت حریم خصوصی در کنار الگوی مهمان‌نوازی است. رعایت این حریم از دو اتاق همجوار، که یکی متعلق به والدین و دیگری متعلق به فرزندانشان است، شروع می‌شود و تا جدایی ناحیهٔ خصوصی خانه با ناحیهٔ پذیرایی آن و سپس تا حریم همسایگی ادامه پیدا می‌کند.

روش تحقیق

عواملی همچون تأکید بر عوامل کمی و «توجه کمتر به کارایی معماری و نیازهای روحی، روانی و مادی انسان، در کنار ارزیابی سطحی از تغییرات حاصل از سنت‌های سکونت و فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای موجب انتقال الگوهایی از ساختمان و توسعه می‌شود که با این فرهنگ‌ها تطابق سامان یافته‌ای ندارد. چنین نکاتی پرداختن به مباحث میان‌رشته‌ای علوم انسانی و طراحی معماری را برای تدوین نظریه‌های طراحی مبتنی بر ایجاد تعادل میان دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان و خلاقیت طراحان، ضروری می‌سازد» (عینی‌فر، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

لذا با توجه به اینکه مطالعات این پژوهش در حوزهٔ روان‌شناسی محیط (با اهمیت‌دادن به بوم‌شناختی) و در جهت شناخت تأثیر رسوم و اعتقادات مذهبی بر محیط مسکونی است، و چون «بسیاری از پژوهش‌های معماری بین‌رشته‌ای بوده و نیازمند روش‌های خاص ترکیبی می‌باشند» (گروت و وانگ، ۱۳۸٤: ۳۷۰)، از روش مطالعات ترکیبی استفاده کرده‌ایم. گفتنی است که چنین روشی به مفهوم «جمع آراء نبوده، بلکه در هدفی واحد، آرای مختلف را، که ناشی از کثرت روش تحقیق است، به طریقی پویا ترکیب می‌نماید. با تقسیم مطالعات میان‌رشته‌ای به الگوی دیالکتیکی و الگوی تلفیقی، در الگوی دیالکتیکی، با چالش و گفت‌وگوی مؤثر بین رهیافت‌ها در جستجوی رویآورد و رهیافت جامع‌تر بر میآییم. همچنین در الگوی تلفیقی آن نیز با هدف دست‌یابی به نظریه‌ای جامع، به ترکیب روشمند و تلفیق رهاوردها می‌پردازیم» (قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۷۵-۳۹٦). لذا با توجه به اینکه در این مقاله، از الگوی دیالکتیکی استفاده

www.SID.ir

Archive of SID

کرده‌ایم، برای رسیدن به نظریه‌ای جامع، فرضیه و چالش تحقیق را چنین طرح نموده‌ایم: شـــکل‌گیری الگوی حریم و مهمان‌نوازی خانه‌های محلات مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان صرفاً، تحت‌تأثیر سنت‌های مذهبی خودشان بوده است.

ابتدا با مراجعه به قرآن‌کریم، با روش تحلیلی‌منطقی، حریم خصوصی و مهمان‌نوازی در اسلام را بررسی کردیم. این موضوع را برای فهم عمل پیروان دین زرتشت و یهودیان با مراجعه به منابع دست اول آنها، یعنی اوستا و تورات و کتب تحلیلی مرتبط با آنها، نیز بررسی کردیم. برای گردآوری اطلاعات از قلمرو مکانی تحقیق، علاوه بر روش کتابخانه‌ای، از روش میدانی، شامل موارد ذیل بهره گرفته شد:

۱. مصاحبه: قسمتی از تحقیق، که تحقیقی قوم‌نگاری است، شامل «ثبت و توصیف رویدادها و فرایندها در شرایط طبیعی و استفاده از روش شرکت‌کننده ـ مشاهده‌گر» (سرمد و عباس‌زادگان، ۱۳۸۷: ۱۲۷) است. به‌عبارتی، مصاحبه به شکل باز و نیمه‌ساختاریافته با متخصصان اسلامی و مراجعه به موبدان زرتشتی و پیروان سه دین اسلام، زرتشت و یهود است.

۲. برای درک بهتر پدیده‌های موضوع تحقیق و استفاده از روش مشاهدهٔ مشارکت‌کننده،[1] محققان مدتی در محل زندگی و سعی کرده‌اند توصیفی عینی از محلات کرمان ارائه نمایند.

در آخر، نتایج تطبیق داده شد تا میزان صحت و سقم فرضیهٔ مذکور، با تکیه بر یافته‌های برگرفته از پاسخ‌های فوق برای بیان نظریهٔ تحقیق، مشخص شود.

فصلنامه علمی-پژوهشی
٤
دوره سوم
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۹

فرهنگ، عامل اصلی شکل‌گیری خانه

محققان معتقدند: «خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکردی چندبُعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی، و ازآنجاکه ساخت «خانه» خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است» (راپاپرت[2]، ۱۹٦۹، ٤٦). بنابراین، خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها و انتظام فضایی آنها، نشان‌دهندهٔ روابط اجتماعی افراد ساکن در آنهاست. «در بررسی فرم خانه، در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی–سیاسی در آن فرهنگ دارد» (گیفرد[3]، ۱۹۹۸: ۸۵).

---

۱. در مشاهدهٔ مشارکت‌کننده (participant observation)، پژوهشگر در متن زندگی یا محل و زمان وقوع پدیده‌های موضوع مطالعه حضور می‌یابد و آنها را بررسی می‌کند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ٤٧). . . .

2. Rapoport
3. Gifford

www.SID.ir

Archive of SID

مطابق با نظر محققان فرهنگ‌گرا، فرهنگ عامل اصلی شکل‌گیری خانه است و عامل اقلیم، سایت، اقتصاد و ...، عوامل درجهٔ دو است، زیرا اگر عاملی همچون اقلیم، عامل درجهٔ اول در شکل‌گیری خانه باشد، چرا در اقلیمی همچون کرمان، فقط یک نوع خانه نیست و انواع شکل خانه در رابطه با ادیان گوناگون دیده می‌شود؟ لذا می‌توان نتیجه گرفت که «سنت محلی یا فرهنگی ارتباط مستقیمی با فرم‌های فیزیکی هر فرهنگ دارد و به‌عبارتی، این‌دو لازم و ملزوم یکدیگرند. (راپاپرت، ۱۹٦۹: ٤٦).

از اجزای مهم خانه، حیاط است که علاوه بر سازماندهی اتاق‌ها و فضای اطراف آن، تحت‌تأثیر فرهنگ جوامع مختلف، عملکرد گوناگونی را به خود گرفته است. به‌جز ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی، که حیاط علاوه بر کاربرد اقلیمی، کارکردی فرهنگی و اعتقادی نیز دارد، «در یونان باستان (سرزمین الهه‌های متعدد)، حیاط و حصار خانه معنی متافیزیکی داشته است و عمل محصورکردن خانه به‌عنوان محصورکردن محراب خدایان خانواده در نظر گرفته می‌شده که افراد غریبه حق ورود به آن‌را نداشتند» (مونستیرولی[1]، ۱۹۷۹: ۵۸).

آنچه از این دیدگاه می‌توان فهمید، با دیدگاه اسلام که خانه را مکان امنیت، آرامش و حریم خانواده می‌داند و نه جایگاهی فقط برای تقدس خدایان، تفاوت فاحشی دارد. همچنین خانه‌های اشرافی روم باستان، علاوه بر محل زندگی، سالن نمادین مهمی داشته به‌نام تالار اجداد[2] که مجسمهٔ اجداد خانواده در آن نگهداری می‌شده است (معماریان، ۱۳۷۳: ٤٦-٤٧).

در کشورهای شرقی، همانند ژاپن، نیز معماری خانه‌ها تحت‌تأثیر خصلت‌های فرهنگی است. به‌طوری‌که دو صفت خوی سپاهی‌گری و گرایش به کارهای هنری در ارتباط با آئین شینتو، که بر پایهٔ آنیمیسم[3] و طبیعت‌پرستی استوار است، معماری آنها را متأثر نموده است (مرتون، ۱۳۵٦). موضوع ترکیب خانه با طبیعت در این فرهنگ، ریشه‌ای اعتقادی داشته و معماری برون‌گرای آن، فضای اندرونی و بیرونی را همسان می‌دیده، به‌طوری‌که دیوارهای جداکنندهٔ کاغذی، کمترین حریم را در فضا ایجاد می‌نموده است. «در خانه‌های بومی ژاپنی، معمولاً یک قسمت برای نشیمن و کارهای روزمرهٔ خانگی و قسمتی نیز برای استراحت و خواب بوده است و از این الگو به‌عنوان گونه‌ای از معماری سنتی در معماری شهرها نیز استفاده شد» (تنگ[4]، ۱۹۷۲: ۲٦).

1. monestiroli
2. Tablinum
3. Animism
4. Tange

www.SID.ir

Archive of SID

اشکالی از رفتار که در هر جامعه‌ای با فرهنگ حاکم دیده می‌شوند، «ویژگی‌های عام فرهنگی» نامیده می‌شوند، اما در درون این مقوله‌های کلی، تفاوت‌هایی از نظر ارزش‌ها و شیوه‌های رفتار پیروان مذاهب مختلف وجود دارد که به تعدادی از آنها می‌پردازیم.

اسلام و حریم خصوصی

«خانه‌های ایرانی عموماً به موضوع رعایت حریم خصوصی در کنار تکریم مهمان توجه داشته‌اند و برای انجام آن، هم از الگوی تداخل قلمرو در فضای واحد و هم از الگوی مجزانمودن مکان آنها استفاده نموده‌اند. در نتیجه، انواع معینی از فرم ساختمان‌ها و چیدمان داخلی آنها به‌طور گسترده تکرار شده است. این الگوها در تعدادی دیگر از کشورهای اسلامی نیز که با موضوع حریم و مهمان‌نوازی روبه‌رو هستند، وجود دارد. در ایران، پس از پذیرش اسلام، به‌روشنی می‌توان فهمید که موضوع رابطهٔ زن و مرد مهم‌ترین اصل شکل‌دهنده و تعریف‌کنندهٔ حریم‌ها در خانه و خارج از آن بوده است» (معماریان، ۱۹۹۸: ٤٢).

در اسلام، آرامش و اطمینان قلبی از درون افراد شروع و با ارتباط صحیح با دیگر مسلمانان عمق و گسترش می‌یابد. این نقطهٔ شروع، که در خانواده قرار گرفته، دارای اهمیت است. لذا مطابق با دستورات شرع مقدس اسلام «غریزهٔ جنسی در جهت دوام خانواده و پایداری ازدواج و کاهش استرس‌های اجتماعی، باید اداره، کنترل و در محدودهٔ زناشویی مشروع قرار گیرد و محدودهٔ کار و فعالیت اجتماعی نباید با موضوعات جنسی تداخل پیدا نماید» (مطهری، ۱۳۸۷: ٤٣٣). این مهم با دو روش ممکن می‌شود، اول اینکه مرد نباید برای لذت‌بردن به بدن زن نامحرم نگاه کند و دوم اینکه زن نیز باید بدن خود را (جز صورت و دست‌ها تا مچ) برای دوری از جلب توجه، از مردان بیگانه بپوشاند[1].

تعالیم اسلام رفتار مناسب مسلمانان را توصیف می‌کند و نظام ارتباطی خانه‌ها باید نمادی از الگوهای رفتاری شریعت و تسهیل‌کنندهٔ تکالیف شرعی هر مسلمان باشد. فرهنگی که تکریم مهمان و رعایت حریم خصوصی را در جامعه ترویج می‌کند، تأثیر عمده‌ای روی معماری ایرانی و به‌خصوص معماری خانه دارد.

فضای خانه شامل حیاط و اتاق‌ها حریم خصوصی انسان است و باید برای ورود به آن

۱. در قرآن کریم، آیاتی همچون آیهٔ ۵۳ سورهٔ احزاب و آیات ۳۰ و ۳۱ سورهٔ نور هست که به این موضوع اشاره نموده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

اجازه گرفت. «این حریم، محدودهٔ ویژه‌ای از زمان و مکان است که شخص، فارغ از قوانین و قالب‌های معین و مشخص رفتاری خاص اجتماع، می‌تواند در آن، با خویشتن خویش خلوت کند، به احساسات فردی خویش پاسخی در خور گوید و نیازهای روانی خویش را به‌گونه‌ای مناسب و دلخواه برآورده سازد و اسلام نیز این حق را بر او محترم می‌شمارد و احترام آن را بر هر فرد مسلمان فرض می‌داند» (علی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۲۱). «حریم خصوصی به‌عنوان علاقهٔ بنیادین انسان در همهٔ فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این حریم مکانی است که حدود دارد و نباید بدون دلیل به آن تعرض شود» (هنسون، ۲۰۰۸: ۱۲۹).

موضوع اجازه‌گرفتن در اسلام، علاوه بر جنبهٔ اخلاقی، موضوعی الزامی است و نه‌تنها مربوط به ورود همسایه و بیگانه به خانه و حریم خانواده،[1] بلکه شامل ورود فرزندان به اتاق والدین[2] و حتی اتاق یکدیگر نیز شده است، تا جایی که آنها مؤظف شده‌اند، قبل از بلوغ، در سه نوبت و پس از بلوغ، در هر نوبت ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند. لذا در خانهٔ هر مسلمان و از سنین خاص، مکان اسکان کودکان از پدر و مادر و از یکدیگر جدا می‌شود و خانه دارای اتاق‌های متنوعی می‌شود. همچنین تأکید اسلام در مشخص‌نمودن حریم استراحت در شب باعث شده است که چه به‌طور فیزیکی و کاملاً محسوس، همچون کشیدن دیوار به دور خانه، و چه کمتر از آن، همچون گذاشتن پرچین چوبی یا سنگ‌چین، محدوده و حریم بیرونی خانه‌های ایرانی مشخص باشد. این حریم مکانی است که دیگران از ورود یا حتی تعرض بصری به آن منع شده‌اند.

اسلام، مهمان‌نوازی و احترام به حقوق همسایه

اسلام نظامی خاص دارد که ضمن تأکید بر اهمیت خانواده به‌عنوان واحد اصلی تشکیل اجتماع، بر حفظ پیوندهای صمیمانهٔ اخوت میان همهٔ اعضای امت اسلامی توجه کرده است. «این فرهنگ از یک‌سو بر پایهٔ بندگی خداوند مبتنی است و از سوی دیگر، بر پیوندهای صمیمانهٔ اخوت میان همهٔ اعضا. مفهوم «اخوه» در جامعهٔ سنتی اسلامی آن‌چنان نیرومند است که افراد همدیگر را با عنوان «اَخ» یا «اَخی» به‌معنای برادر و برادرم و «اُخت» و «اُختی» به‌معنای

۱. «ای اهل ایمان، هرگز به خانه‌ای، مگر خانه‌های خودتان، وارد نشوید، مگر اینکه با صاحبش انس یا از او اجازه داشته باشید و (چون رخصت یافتید و داخل شدید) به اهل آن خانه نخست، سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید!» و در ادامه میفرماید: «پس اگر کسی را در آن نیافتید، به آنجا وارد نشوید تا به شما (از جانب صاحبش) اجازه داده شود». قرآن کریم، سورهٔ نور، آیهٔ ۲۷و۲۸. [توضیحات داخل () را برای روشن‌شدن مفهوم محقق به متن اضافه کرده است.]
۲. قرآن کریم، سورهٔ نور، آیات۵۸و۵۹.

www.SID.ir

Archive of SID

خواهر و خواهرم مورد خطاب قرار می‌دهند و این به معنای تأکید بر مفهومی از خانواده است که کل جهان اســلام را دربرمی‌گیرد» (نصر، ۱۳۷۵: ۸۷). تمامی دستورات اسلام نیز در جهتی است که این صمیمیت صدمه نبیند و با روش‌های مختلف افزوده شود.

یکی از روش‌های گسترش دوستی در جامعهٔ اسلامی، دیدار با یکدیگر در خانه و مهمان‌نوازی صاحبخانه است. مهمان‌نوازی در همان فرهنگ اخوت ریشه دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتقُوا اللهَ لَعَلكُمْ تُرْحَمُونَ؛ درحقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا دارید، امید که مورد رحمت خداوند قرار گیرید»[1].

الگوی عملی ارتباط شایسته بین مؤمنان را پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) ذکر کرده‌اند که از آن جمله، ضرورت ملاقات و احوال‌پرسی از یکدیگر در خانه است (کلینی، ۱۳۷۲: ۱۰۷). در این صورت، ملاقات دوستان و مؤمنان کاری است برای رضای خدا. جملهٔ «مهمان حبیب خداست» نیز گفته‌ای جاری و پذیرفته‌شده در بین مسلمانان است، زیرا او برای رضای خدا به ملاقات دوستش رفته است، پس خدا او را دوست دارد و در نتیجه، باید به‌گرمی پذیرایی شود (الف[2]، ۱۹۸۵: ۱۳۷).

از جمله موارد تطابق معماری خانه با فرهنگ اسلامی را می‌توان در اهمیت معماری اتاق پذیرایی مشاهده کرد، زیرا بهترین فضای خانه و زیباترین جای آن به این اتاق اختصاص یافته است تا به دستور اسلام در تکریم مهمان و اختصاص بهترین مکان خانه به او عمل شود؛ هرچند او ممکن است به‌علت فروتنی از نشستن در آن مکان پرهیز کند. لذا غزالی پیشنهاد می‌کند: «مهمان علاوه بر اینکه در بهترین مکان خانه ننشیند، از نشستن نزدیک خانم‌های بیگانه نیز پرهیز نماید» (غزالی، ۱۳۵۵: ۲۹۸).

احترام به والدین که ناشی از تعلیم و تربیت مطابق با الگوهای شریعت است و کمک به «ذی‌القربی» (اقوام نزدیک و دور) تا همسایه گسترش یافته است، لذا «مراقبت از همسایه و ضرورت توجه و احترام به حقوق همسایگان نیز به همین ترتیب، در زندگی مسلمانان سنتی آن‌چنان نیرومند بوده است که به‌تدریج، در اکثر شهرهای اسلامی، گونه‌ای علقه و پیوند همسایگی شکل گرفته بوده و همسایه نوعی خانوادهٔ دوم تلقی می‌شده است... تماس‌های شخصی با همسایگان مبنای شکل‌گیری آگاهی به وجود جامعهٔ گسترده‌تری است که کل امت را دربرمی‌گیرد» (نصر، ۱۳۷۵: ۹۲).

۱. *قرآن کریم*، سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۰.

2. A.A.

www.SID.ir

Archive of SID

فرهنگ اسلامی در شهری با مذاهب گوناگون

فرهنگ عمومی حاکم بر شـــهرهای سنتی ایران در جهت فراهم‌آوردن فضایی برای رسیدن به آرامش و در تناسب با روح زندگی جاری در آنهاست. در این میان، با توجه به تعالیم اسلامی، اهل کتاب، که تحت حمایت حکومت اسلامی قرار گرفته‌اند، می‌توانند در آزادی کامل، اعمال دینی خود را به‌جای آورند و همزیســـتی مســـالمت‌آمیزی بین آنها و مسلمانان باشد. «به دیگر سخن، دین حاکم یکی باشد و پیروان دیگر ادیان که در احوال شخصی، هریک تابع دین خاص خودند، در مســـائل عمومی کشـــور، تابع دین واحد حاکم باشند. اسلام به مسلمانان سفارش می‌کند تا با یکدیگر و با پیروان ادیان آسمانی و مکاتب دیگر بشری با عدل و مسالمت رفتار نمایند» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۳۰۰-۳۰۳).

پیشوای اول شیعیان امام‌علی(ع) در جهت مهربانی به همهٔ انسان‌ها به مالک اشتر، حاکم منصوب ایشان بر مصر که دارای تعدد مذاهب بود، چنین می‌فرمایند:

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش... مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دستهٔ دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (نهج‌البلاغه، ترجمهٔ دشتی: ٥٦٧).

در این میان، شهری همچون کرمان به مهمان‌نوازی شهرت یافته و پیروان ادیان مختلف را در محلات مختص به خود پذیرا شده است. «تأدب و فرهنگی که سازگاری و تساهل با همهٔ عقاید را پیشه و روش ساخته، هرکس را در ابراز عقیده آزاد می‌ساخت و در نتیجه، پیروان همهٔ مذاهب و ادیان در این سرزمین امکان زندگی یافتند...» (وزیری، ۱۳۵۸: ۲۹). این فرهنگ که از طرفی به منش کویرنشیان وابسته است و از سویی، در تعالیم اسلامی ریشه دارد، تا آنجا پیش رفته است که گاهی در محلات مجاور، پیروانی از مذاهب مختلف، در عبادتگاه خود، شامل مسجد، آتشکده، کنیسه و کلیسا، امکان اجرای مراسم دینی خود را داشته‌اند (تصویر ۵).

از سه محلهٔ مطالعه‌شده، «محلهٔ شهر» با سابقهٔ سکونتی ۸۰۰ ساله، عموماً مسلمان‌نشین بوده است و محلهٔ دیگر، محلهٔ «زریسف» که به محلهٔ زرتشتیان مشهور است، با اینکه سابقهٔ سکونتی چندصدساله دارد، ولی اسکان زرتشتیان و شکل‌گیری وضعیت کنونی آن به دورهٔ قاجار برمی‌گردد (هرچند «گبرمحله» در شمال کرمان و نزدیک دروازهٔ خراسان سابقه بیشتری دارد). محلهٔ سوم، محلهٔ «دولت‌خانه» است که در نظر عمومی، به محلهٔ کلیمیان مشهور است و سابقهٔ سکونتی حدود ۳۰۰ ساله دارد (دانشور، ۱۳۸۸: ٤٢-۹۰). گفتنی است که محلهٔ زرتشتیان

www.SID.ir

Archive of SID

(زریسف)، به‌علت نوع شغل آنان، که عموماً پیشه‌وری و کشاورزی بوده است، به زمین‌های زراعی حاشیهٔ شهر نزدیک‌تر بوده و در خارج از حصار شهر قرار داشته است و محلهٔ یهودیان داخل حصار شهر قدیمی قرار می‌گیرد (تصویر۳).

الگوی رعایت حریم در خانه‌های مسلمان‌نشین محلهٔ شهر

در کرمان، با دو جهت‌گیری حیاط خانه‌ها روبه‌رو می‌شویم. در محلهٔ شهر عموماً، محور اصلی حیاط‌ها، شـــمالی‌جنوبی بوده و در محلهٔ زریســـف محور شرقی‌غربی، جهت غالب قرارگیری فضای مهم‌تر خانه شده است. تجزیه و تحلیل مطالعات اقلیمی نشان می‌دهد با اینکه «باد غالب در زمستان از جنوب‌غرب و در تابستان از شمال و شمال‌شرق می‌وزد» (کسمایی، ۱۳۸۵: ۱۸۷) و جهت‌گیری ۵ تا ۱۰درجه‌ای محور شمال‌جنوب، نسبت به شرق، بهترین جهت برای نورگیری است، خانه‌های محلهٔ شهر و بسیاری از محلات مسلمان‌نشین، عموماً با چرخش (حدود ۳۰درجه) به‌سمت شرق با جهت قبلهٔ مساجد هماهنگ شده‌اند (اصطلاحاً رون راسته[۱]).

این ویژگی در محلاتی که مسجد آن تاریخی بوده و خانه‌ها در اطراف مسجد ساخته شده است، دقت و نظم بیشتری دارد. در محلات مسلمان‌نشین کرمان و ازجمله محلهٔ شهر، حفظ حریم و تکریم مهمان با الگوهای متنوع معماری پیاده و اجرا شده است. در این محله، عموماً حریم درجهٔ اول، نه از اتاق که از درب ورودی خانه شروع میشود که معمولاً دیواری بلند دارد و مجاورت خانه‌ها با یکدیگر به‌گونه‌ای است که همسایه‌ها در معرض حقوق یکدیگر قرار نگیرند. ورودی خانه‌های این محله عناصر مشترکی همچون سردر، هشتی و راهرو دارد.

توجه به محرمیت و حریم از همان ابتدا، در فرم درب ورودی و تجهیزات الحاقی به آن دیده می‌شود. ازآنجاکه همهٔ مراجعه‌کنندگان قبل از ورود، موظف به اجازه‌گرفتن بودند، دو درب‌کوب فلزی روی در ورودی بدین‌گونه قرار گرفته است که یکی از آنها حلقهٔ فلزی و دیگری چکش فلزی است.

از عناصر مهم نظام ورودی، فضای «هشتی» است که گاهی از آن برای پذیرایی موقت از مراجعه‌کننده‌ای استفاده می‌شود که به اتاق پذیرایی دعوت نشده است. مسیر دسترسی به ناحیهٔ خصوصی و پذیرایی برای خانه‌هایی که دو حیاط دارند نیز هشتی است. بنابراین، هشتی هم عملکرد

۱. یکی از ویژگی‌های خانه سنتی، شیوهٔ سویابی (جهت گیری) فضایی آن است که متناسب با اقلیم و فرهنگ شهرهای ایرانی بوده و معماران سنتی به آن، رون می‌گفتند. سه رون بنیادی که شهرها بر اساس آن نظم گرفته‌اند عبارتند از: ۱- رون راسته (که فضای اصلی در راستای شمال شرقی- جنوب غربی است). ۲- رون اصفهانی (که فضای اصلی در راستای شمال غربی- جنوب شرقی). ۳- رون کرمانی (که فضای اصلی در راستای شرقی- غربی است). (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

www.SID.ir

Archive of SID

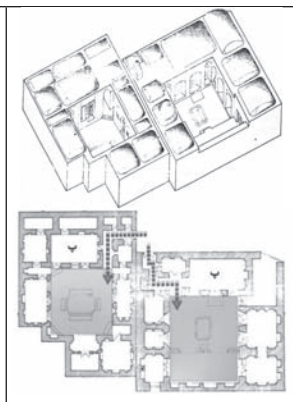
معماری دارد و هم با ظرایف زندگی اجتماعی هماهنگ شده است. هرچند طرح و پلان عمومی هشتی‌ها، هشت‌ضلعی است، اما آنها دارای فرم‌های مربع، مستطیل یا چندضلعی نیز هستند. هشتی معمولاً، شامل ورودی اصلی و دسترسی به بام و راهروی منتهی به حیاط خانه است. این راهرو ممکن است که مستقیم، L شکل یا فرمی از مارپیچ باشد، زیرا هدف اصلی از شکل آن، جلوگیری از دید مستقیم خارج به داخل خانه است. اگر فرم خطی برای مسیر ورودی تا حیاط اختیار شود، آن معمولاً به گوشه‌ای از حیاط می‌رسد که در آن مکان، خانواده فعالیت خاصی ندارند.

خانه‌های تک‌حیاطی و سپس دوحیاطی در کرمان و ازجمله محلهٔ شهر عمومیت بیشتری دارد. این خانه‌ها ضمن سازگاری با اقلیم، پاسخگوی نیاز به حریم خصوصی نیز هست. خانه‌های تک‌حیاطی با دو روش نیاز به حریم خصوصی و تکریم مهمان با هم سازگار شده‌اند:

۱. ناحیهٔ خصوصی و پذیرایی در اطراف حیاط و با فاصله از هم قرار گرفته است؛ همانند تصویر۲، شکل٦ (گاهی وقت‌ها دو اتاق پذیرایی در دوطرف راهرو ورودی است)؛

۲. ناحیهٔ خصوصی و عمومی در کنار هم و در یک کد ارتفاعی قرار گرفته‌اند، ولی کاملاً از یکدیگر مجزا شده‌اند (شکل ۱و۲).

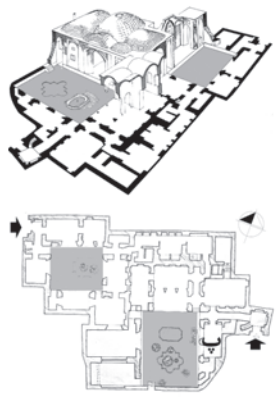
تصویر ۱. نظام ورود به خانه با هدف مسدودکردن دید به داخل و رعایت حریم خصوصی



خانه‌های یک‌حیاطی (ش۱و۲) در اطراف بازار کرمان. ورودی به گوشهٔ حیاط می‌رسد و پذیرایی نزدیک آن است. (پذیرایی با حرف «پ» مشخص شده است.)



خانه‌ای دوحیاطی در محلهٔ شهر (ش۳) با یک ورودی که حیاط کوچک‌تر مربوط به مهمانان و برای پذیرایی با ورودی که در هشتی است.



خانه‌ای دوحیاطی (ش٤) با دو ورودی در اطراف بازار کرمان بدون بادگیر. یک پذیرایی نزدیک راهرو متصل به هشتی و حیاط اصلی. حیاط دوم از آن خدمه است.

www.SID.ir



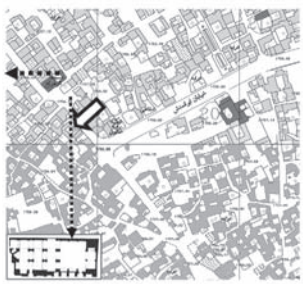
کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی

Archive of SID

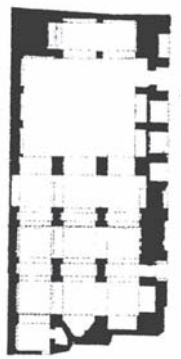
تصویر۲. محلهٔ شهر کرمان (مسلمان‌نشین)



خانهٔ یک‌حیاطی (ش٦) در کنار خانهٔ دوحیاطی (ش۵)



برای قرارگیری فضای خانه با جهت قبلهٔ مسجد هماهنگ شده است.



مسجد الزهرا (پامنار قرن۸ هـ .ق)

کیفیت و شدت جداسازی حریم خصوصی و پذیرایی در خانه‌هایی افزایش می‌یابد که بیش از یک حیاط دارند. در واقع، وجود دومین حیاط عموماً، ناشی از ضرورت نیاز به مهمان‌نوازی در کنار رعایت حریم خصوصی یا جدایی خدمه از اهل خانه است. ورودی این حیاط در هشتی متصل به ورودی خانه قرار دارد. در خانه‌های دوحیاطی، که حیاط دوم ورودی مجزایی دارد، معمولاً محل خدمه و یک اتاق پذیرایی در حیاط دوم قرار گرفته است.

هرچند در بعضی از شهرها، همانند یزد، به‌علت گرمای شدید معمولاً، در شب و روز و همچنین فصل تابستان و زمستان با جابه‌جایی فصلی و روزانهٔ اهالی خانه از شمال به جنوب یا از شرق به غرب خانه روبه‌رو هستیم، ولی به‌علت هوای متعادل‌تر کرمان، به‌رغم وجود این جابه‌جایی‌ها، شدت و ضرورت آن کمتر دیده می‌شود.

دین زرتشت و معماری خانه‌های محلهٔ زریسف کرمان

«مهم‌ترین دین ایرانیان در قبل از اسلام، که پیامبر آن زرتشت، اعتقاد به خدای یگانه داشت، دین زرتشتی می‌باشد که کتاب دینی آنها اوستا است (دورانت، ۱۹۵٦: ۳۷۵).

هرچند «اوستای کنونی» تمامی «اوستای اولیه» نبوده و شامل قسمتی از «اوستای قدیم» (گات‌ها) و «اوستای نو»[1] است، برخی پژوهشگران قسمتی را که به نام وندیداد است، یکی از

۱. عنوانی است کلی برای بخش‌های پنجگانهٔ *اوستا* که در دوره‌های پس از زرتشت، به نگارش درآمده و از دیدگاه شیوهٔ نگارش و درون‌مایهٔ اندیشگی، از گاهان(گات‌ها) سرودهٔ زرتشت، متمایز شمرده می‌شود (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج۲: ۹۳۲).

www.SID.ir

Archive of SID

بخش‌های پسین «اوستای نو» می‌دانند که به‌کلی جدا و متمایز از دیگر بخش‌ها بوده و نمایندهٔ آئین‌ها و دادگذاری‌های مُغانِ باختری یا «مادی» است که توسط آنها به اوستا اضافه شده و تا حدودی با قسمت اول آن ناسازگار است (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج۲: ٦٥٣)، با این‌حال، بیشتر احکام و جزئیات دینی زرتشتیان در این قسمت بیان شده است.پیروان دین زرتشت در قرآن کریم در آیهٔ ۱۷ سورهٔ حج، با عنوان «مجوس» ذکر شده‌اند. «تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او مبهم است، قوم زرتشت کتاب مقدس اوستا را در استیلای اسکندر بر ایران از دست دادند، ولی در زمان ساسانیان، مجدداً به رشتهٔ تحریر درآمد. زرتشتیان معتقدند که برای تدبیر عالم دو مبدأ وجود دارد، یکی مبدأ خیر و دیگری شر. اولی نامش یزدان و دومی اهریمن و یا اولی نور، و دومی ظلمت است. آنها ملائکه را مقدس دانسته و بدون اینکه مانند بت‌پرستان برای آنها بتی درست کنند، به آنها توسل و تقرب می‌جویند»[1](ترجمهٔ تفسیر المیزان، ج١٤: ٥٠٦).

پژوهشگران معتقدند: «کمتر دینی مانند دین ایرانیان، چنین تأکیدی در لزوم پاکیزه نگاهداشتن تن و روان داشته است» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ٤٢). هرچند بسیاری از قسمت‌های اوستا، کتاب دینی زرتشتیان از بین رفته است، ولی در آنچه باقی مانده، بر ضرورت اندیشیدن در آرامش تأکید دارد؛ آنجا که می‌گوید: «ای مزدا (آفریدگار)، تو را پاک (به‌خوبی) شناختم، آن‌گاه که «منش (فطرت) نیک»[2] نزد من آمد و مرا آموخت که اندیشیدن در آرامش، بهترین راه دانش‌اندوزی است...» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ٤٢). بدیهی است که خانه باید وضعیت مناسبی داشته باشد تا این خواستهٔ دینی فراهم شود، خانه‌ای که با اقلیم سازگار بوده و فضایش دور از تعرض دیگران است.

در اوستا، در موضوع الگوهای رفتاری در خانه مطلبی دیده نمی‌شود، ولی در وندیداد (اوستای پسین)، دستوراتی وجود دارد که رعایت آنها عملاً، اتاق زنان را در دوران زایمان و عادت ماهانه از بقیهٔ خانه مجزا می‌نماید،[3] آنجا که می‌گوید در این زمان «باید راه او را از هرگونه گل و بوته‌ای پاک کنند و در جایی که او باید بماند، خاک خشک بر زمین بپاشند (تا با تماس او زمین آلوده نشود) و برای او ساختمانی بر پای دارند که یک‌دوم تا یک‌پنجم از سطح خانه

۱. «امشاسپند» به‌معنای فرشته و ملک. در *اوستا* مرکب است از دو جزء، مجموعاً به‌معنی «جاودان مقدس» است. شمارهٔ امشاسپندان یا «مهین‌فرشتگان» هفت است که نام شش تای آنها در ضمن ماه‌های دوازده‌گانهٔ کنونی مندرج است (*لغت‌نامهٔ دهخدا*، ذیل لغت امشاسبند).

۲. «وهومن» یا «وهومنگنه» را در *اوستا*، پژوهشگران به‌معنای منش نیک آورده و آن‌را مترادف «بهمن» قرار داده‌اند که نماد اندیشهٔ نیک و خرد و دانایی آفریدگار به‌شمار می‌آید...» (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج۲: ۹۵۲) و مرحوم دهخدا آن‌را به‌معنای فطرت نیز آورده‌اند.

۳. این موضوع در رابطه با یهودیان نیز وجود دارد. رجوع شود به: مجموعه‌آثار استاد شهید مطهری، ج۱۹: ٤١٩.

www.SID.ir

Archive of SID

بلندتر باشد تا نگاه او به آتش نیفتد (تا آن را آلوده نکند)» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۸۳۵). نمونه‌ای از انطباق سازمان خانه‌های زرتشتیان با این دستور اوستا در تصویر ٤ بررسی شده است.

هرچند تحقیقات میدانی از موبدان زرتشتی و کارشناسان میراث فرهنگی کرمان وجود چنین اتاقی را در خانه‌های سنتی آنها تأیید می‌نماید،[1] ولی به‌علت تغییر سنت‌ها در نیم‌قرن کنونی، این اتاق‌ها در زمان حاضر، عملکرد دیگری دارد. با اینکه در اوستا دربارهٔ حریم خانه و پذیرایی از مهمان موضوعی دیده نشد، مطالعات میدانی ما را به نتایج زیر رسانید:

الف. بسیاری از خانه‌های محلهٔ زرتشتی‌نشین زریسف از نظر محوربندی فضایی، با خانه‌های محلهٔ شهر، که عموماً محور طولی حیاط اصلی آن شمال‌غربی ـ جنوب‌شرقی است، متفاوت بوده و محور شرقی‌غربی نقش غالبی در سازماندهی فضای خانه‌ها دارد، این موضوع را از جهات ذیل می‌توان تحلیل کرد:

۱. درامان‌ماندن از گرد و خاک بادهای موسمی

استاد پیرنیا اعتقاد دارند که برای درامان‌ماندن از باد موسمی کرمان، که با خود گرد و غبار زیادی حمل می‌کند، خانه‌های کرمان دارای رون و جهت شرقی‌غربی است (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۳۷). هرچند «باد موسمی خشک کرمان، که از اسفند تا اردیبهشت از سمت جنوب غرب به شمال‌شرق و شرق شهر می‌وزد، با خود انبوهی از گرد و غبار به کرمان وارد می‌نماید» (شاطریان، ۱۳۸۷: ۲۳۸). ولی با توجه به قرارگیری محلهٔ زریسف در شمال‌شرقی کرمان، گرد و غبار کمتری به آن می‌رسیده و لذا این تغییر جهت نسبت به دیگر محلات می‌تواند علت دیگری داشته باشد.

۲. اهمیت منبع نور در آئین زرتشت

زرتشتیان نمازهای خود را در خانه به‌سمت نور به‌جا می‌آورند و طلوع و غروب خورشید برای آنان اهمیت دارد. تحقیقات نشان می‌دهد «یک زرتشتی همواره نماز خود را سوی روشنایی انجام می‌دهد چنان‌که برای خواندن نماز لزوماً، به سمت آتش نمی‌ایستد، بلکه رو به سمت روشنایی خورشید یا ماه نموده و از روشنایی آنها جهت پرستش و برای خواندن نماز استفاده می‌کند و...» (کریستین‌سن: ۱۳۷۸ و اوشیدری، ۱۳۷۹: ۷-۹). این موضوع در محلهٔ زریسف برای تعدادی از خانه‌های زرتشتیان بررسی شد و ملاحظه شد که در بسیاری از آنها،

۱. یکی از مراجع این تحقیقات آقای موبد غیبی در آتشکدهٔ کرمان و آقای مهندس بنی‌اسدی، کارشناس سابق میراث فرهنگی کرمان بوده است. ضمناً رسالهٔ کارشناسی‌ارشد خانم رئیسی، که از هم‌وطنان زرتشتی هستند، نیز این مطالب را دربارهٔ خانه‌های زرتشتیان یزد تأیید می‌کند.

www.SID.ir

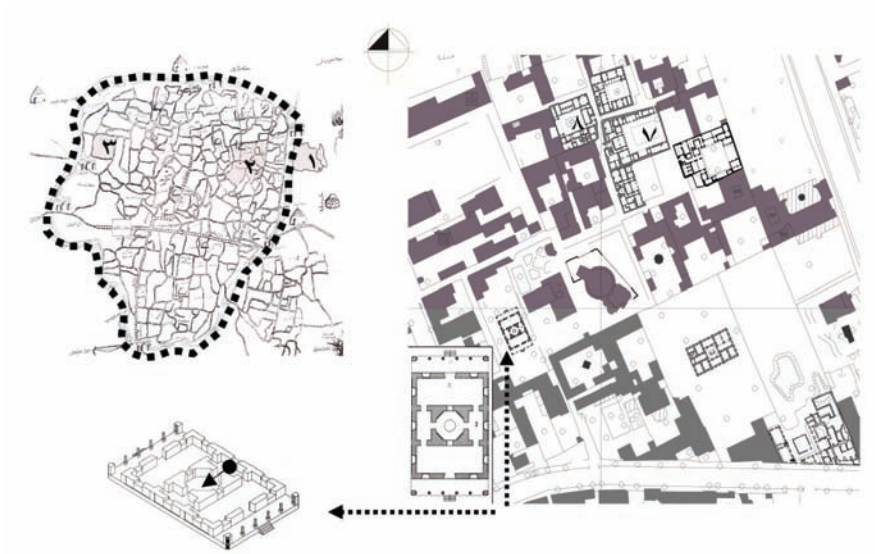
Archive of SID

فضای اصلی (و یا حداقل یک ایوان اصلی) بر محور شـــرقی‌غربی قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که در خانه‌های زرتشتیان یزد نیز صفهٔ بزرگ‌تر، که به‌عنوان محل نمازخواندن از آن استفاده می‌شود، رو به سمت شرق قرار دارد (رئیسی، ۱۳۷۵: ۲۱۷). در آتشکده‌ها نیز آتش در مرکز بنا قرار گرفته و موبد در ناحیهٔ شرق بنا و رو به سمت غرب قرار گرفته و مراسم را برگزار می‌نماید (تصویر۳).

تصویر۳. محلات کرمان در عهد قاجار (چپ) و محلهٔ زریسف در زمان کنونی (راست)؛ مأخذ: نگارنده[1].

خانه‌های محلهٔ زریسف کرمان (زرتشتی‌نشین)

۱. محلهٔ زریسف (زرتشتی‌نشین)، ۲. محلهٔ شهر (مسلمان‌نشین) ۳. محلهٔ دولت‌خانه (یهودی‌نشین)



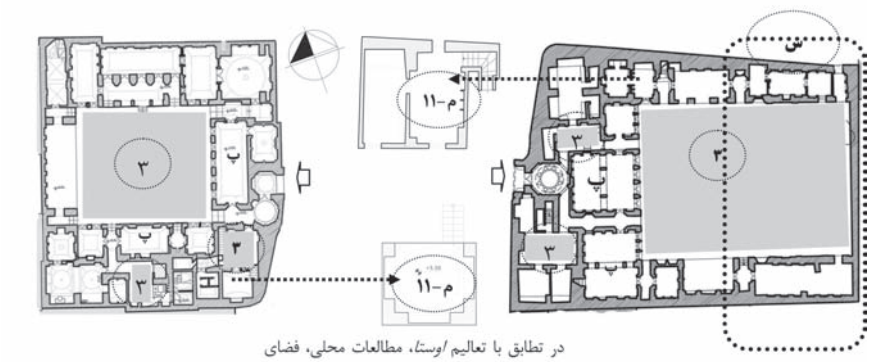
آتشکدهٔ مرکزی زردشتیان و محل قرارگیری موبد در غرب آن

تصویر٤. نمونهٔ خانه‌های محلهٔ زریسف (زرتشتی‌نشین) در کرمان؛ مأخذ: نگارنده

۱. محلات کنونی از طرح تفصیلی کرمان و خانه‌های زریسف مربوط به میراث فرهنگی کرمان و خانهٔ محلهٔ شهر از آرشیو دانشگاه آزاد اسلامی کرمان برداشت‌شده توسط آقایان رضا آزادپور و علیرضا پاک‌گوهر است. نقشهٔ کرمان در دورهٔ قاجار از دانشور: ۱۳۸۸، و محلهٔ زریسف با تصحیح نگارنده به نقشه اضافه شده و نقشهٔ آتشکده از آرشیو کتابخانهٔ زرتشتیان کرمان گرفته شده است.

www.SID.ir

Archive of SID



در تطابق با تعالیم *اوستا*، مطالعات محلی، فضای (م-۱۱) در طبقه بالا را برای مجزا نمودن زنان در ایام خاص معرفی می‌کند

خانه (ش. ۸)

ب) در خانه‌های زرتشتیان یزد [و کرمان] با توجه به فرهنگ آنها در تعریف حجاب و التزام‌نداشتن به پوشیدن مو از هم‌کیشان، از الگوی حیاط درونی و بیرونی استفاده نمی‌کنند (رئیسی، ۱۳۷۵: ۱۸٦). مطالعات نشان می‌دهد که قسمتی از فضای معماری برخی خانه‌ها، همانند خانهٔ شمارهٔ۷ در تصویر٤، که با حرف «س» مشخص شده، برای خدمه بوده است، لذا با توجه به اهمیت نور شمال و جنوب در کرمان ، عملاً، حیاط بزرگ خانه عملکرد دو حیاط متصل را داشته و لذا در محور شرقی‌غربی گسترش یافته است. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که در خانه‌های دارای دو پذیرایی، از پذیرایی اول، که به ورودی خانه نزدیک است، برای پذیرایی از مهمان غیرهم‌کیش استفاده می‌شده و در محتوا با دو پذیرایی در خانهٔ مسلمانان، که برای جدایی مردان و زنان مهمان است، تفاوت دارد.

در بسیاری از خانه‌ها، عموماً، سه حیاط بدین‌صورت وجود دارد که یکی با آشپزخانه مرتبط است و در این حیاط علاوه بر محل پرندگان و طویله، لانهٔ سگ نیز وجود دارد. «در وندیداد سگ به‌طور خاص گرامی داشته شده و احکام زیادی را به خود اختصاص داده است» (رضوی، ۱۳۸۸: ۸۸). و در حیاط دیگر، توالت ساخته شده است، چون «در دین زرتشت، علیرغم اهمیت آتش، آب و خاک نیز می‌بایست از آلودگی دور باشند» (هینلز، ۱۳٦۸: ٤۹، ۱۸۷)، «همانند خانه‌های زرتشتیان یزد برای آلوده‌نکردن خاک، توالت چاه نداشته و نوعی انبارک قابل تخلیه از کوچه دارد» (رئیسی، ۱۳۷۵: ۲۱۵). هرچند این موضوع به‌سبب استفاده به‌عنوان کود در کشاورزی نیز بوده است. حیاط سوم (حیاط بزرگ‌تر)، همان‌گونه که ذکر شد، همانند حیاط

فصلنامه علمی-پژوهشی

دوره سوم
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۹

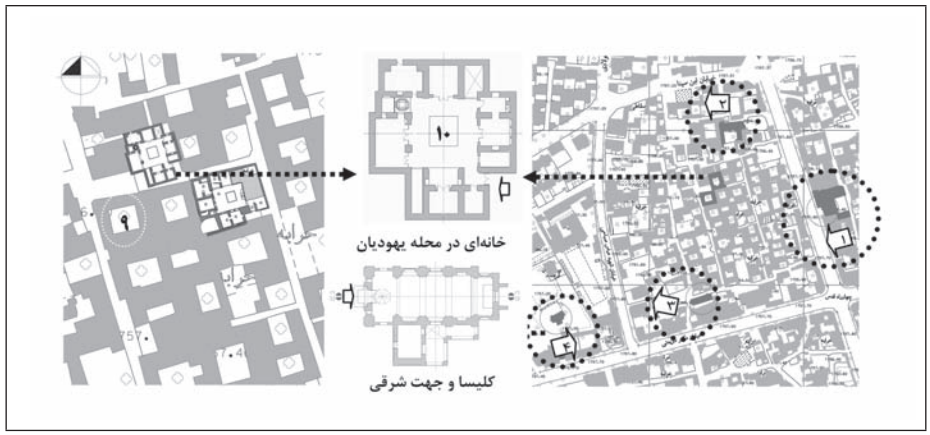
www.SID.ir

Archive of SID

خانهٔ مسلمانان نقش جداکننده بین اتاق‌ها و فضای مجاور را به‌عهده دارد، با این تفاوت که به‌علت کارکردی، در اکثر حیاط‌ها یک مهتابی نیز وجود دارد.

با توجه به خصوصیت خانه‌های زرتشتیان که شباهت کالبدی زیادی با خانه‌های مسلمانان دارد، در بسیاری از خانه‌های آنها، الگوی رایج، تقسیم فضای خانهٔ مسلمانان دیده می‌شود (معماریان و براون، ۲۰۰۳: ۱۸۳)، حتی این شباهت در نمای ابنیه نیز وجود دارد. البته در نمای برخی خانه‌های زرتشتیان، نقش درخت سرو[1] به‌طور طبیعی، در آجرکاری نما دیده می‌شود که این نقش در خانهٔ مسلمانان رایج نیست. با توجه به اینکه در اوستای کنونی دربارهٔ الگوی زندگی در خانه تعالیمی دیده نمی‌شود، شکل‌گیری الگوی معماری خانهٔ زرتشتیان صرفاً تحت‌تأثیر متون دینی آنها نبوده، بلکه (ضمن سازگاری با اقلیم)، به‌علت همنشینی‌ای که با مسلمانان دارند، عموماً تحت‌تأثیر الگوی معماری خانهٔ مسلمانان است.

تصویر۵. محلهٔ دولت‌خانه (یهودیان) در کرمان، جهات مقدس با پیکان مشخص شده است: ۱. مسجد؛ ۲.آتشکده؛ ۳- کنیسه؛ ٤- کلیسا؛ مأخذ: نگارنده.



عقاید یهودیان و معماری خانه‌های محلهٔ کلیمیان کرمان

«محلهٔ دولت‌خانه از محله‌های قدیمی کرمان است که قدمت آن به سال ۱۱٦۲ ق. حدود سیصد سال قبل می‌رسد. در این محله، سه طایفه زندگی می‌کردند که اکثریت آنها را زرتشتیان، کلیمیان و عده‌ای هم مسلمانان تشکیل می‌دادند» (دانشور، ۱۳۸۸: ۱۲۹). هرچند با خرید

۱. زرتشتیان معتقدند تخم این درخت را زرتشت به‌همراه *وستا* آورده است (اوشیدری، ۱۳۷۹: ۲۷).

www.SID.ir

Archive of SID

خانه‌های زرتشتیان، یهودیان بیشتری در محله سکونت گزیده‌اند و محله به محلهٔ یهودیان مشهور شده است. از نکات جالب توجه، وجود معابد ادیان مختلف در این محله یا مجاور آن است، به‌طوری‌که هر کدام به سمت قبلهٔ خود عبادت می‌کنند.

همان‌گونه که ذکر شد، مسلمانان از معاشرت با اهل کتاب، که در کشور اسلامی تحت حمایت هستند، نهی نشده‌اند تا این موضوع امکان دعوت آنها به دین اسلام را فراهم نماید. لذا در کرمان، که روحیهٔ مهمان‌نوازی مردمش امکان زندگی مسالمت‌آمیز با مذاهب مختلف را فراهم نموده است، بر سردر بسیاری از خانه‌های مسلمانان آیهٔ «إِنا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً» نوشته شده است (که آیهٔ از سورهٔ مبارکهٔ فتح است و راجع به صلح حدیبیه در سال ششم هجرت است که میان مشرکان مکه با پیامبر(ص) و مسلمانان مدینه منعقد شد) تا با فراهم‌کردن زمینهٔ انتشار پیام اسلام، موجب پذیرش آن توسط حق‌طلبان گردد[1].

در نظام خانه‌های محلهٔ دولت‌خانه (یا محلهٔ کلیمیان) تفاوت و تشابه‌هایی با محلهٔ مسلمانان و زرتشتیان دیده می‌شود. ازآنجاکه بنی‌اسرائیل تعصب قومی شدیدی داشته‌اند و در باور، خود را قوم برتر می‌دانسته‌اند،[2] با نهادینه‌شدن علاقه به ثروت در میان آنها (بسیاری از کارها از قبیل خرید و فروش و و دلالی آنتیک (عتیقه) و صرافی‌ها در قبل از انقلاب در اختیار آنها بوده است)، ضمن اولویتی که در امور مالی و اقتصادی برای خود قرار داده‌اند، ویژگی‌های ذیل در زندگی و خانه‌های این محله[3] دیده می‌شود:

۱. ضمن سازگاری و هماهنگی با اقلیم، در موضوع تزئینات داخلی این خانه‌ها، نسبت به دیگر محلات، کاملاً ساده و با حداقل‌گرایی، خانه‌های آنها کوچک‌تر از بسیاری از خانه‌های محلات دیگر است. ازجمله، این موضوع در حذف مفصل‌های فضایی بین بیرون و درون (مفصل هشتی) و بین اتاق‌ها (مفصل راهرویی) و همچنین استفاده از نمای کاهگلی در خانه‌ها

۱. رجوع شود به ترجمهٔ تفسیر *المیزان*، ج۱۸، ص ۳۸۰.

۲. رجوع شود به: سورهٔ مائده، آیهٔ ۱۸: «وَ قالَتِ الْیَهُودُ وَ النَّصاری نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ یُعَذِّبُکُمْ بِذُنُوبِکُمْ...»؛ یهود و نصارا خود را پسران خدا و دوستان او می‌دانند، بگو اگر این عقیدهٔ شما درست است، پس چرا خدا شما را به کیفر گناهانتان عذاب می‌کند؟...». همچنین رجوع شود به: گندمی، ۱۳۸٤ و آشتیانی، ۱۳٦۸، ۳٤۳-۳٥٤. با وجود این، در میان قوم حضرت موسی(ع) گروهی هستند که با ایمان به حضرت رسول اکرم(ص) به‌حق و عدالت حکم می‌نمایند. *قرآن کریم* می‌فرماید: «و از قوم موسی، گروهی هستند که به‌سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند» (اعراف، آیهٔ ۱۵۹).

۳. تاریخ دقیق سکونت یهودیان در کرمان را محقق تاکنون به‌دست نیاورده است. سایت «انجمن کلیمیان ایران» از نقش یهودیان در رونق فرش ایران سخن گفته و چنین نوشته است: «دوران شکوفایی تولید و بافت فرش در میان جمعیت‌های یهودی در اوایل قرن نوزدهم میلادی، به اوج خود می‌رسد و کار قالیبافان یهودی در شهرهای کاشان، اصفهان، کرمان، تبریز و سراب، بیش از هر زمان دیگری چشمگیر بوده است» (نشریهٔ *افق بینا*، «نقش یهودیان در هنر و اقتصاد فرش ایران»، شمارهٔ ۳۱).

www.SID.ir

Archive of SID

دیده می‌شود (تصویر ۵). مطالعات میدانی نشان می‌دهد که تعدادی از خانه‌های آجری محله (همانند خانهٔ۹ در تصویر۷) مربوط به زرتشتیان مجاوری است که قبلاً ساکن خانه بوده و سپس خانه را واگذار کرده‌اند. در این محله، الگوی کوچهٔ مسقف و بن‌بستی که ورودی چند خانه در آن قرار گرفته است، نمود مشخصی دارد.

۲. هرچند اقلیت‌های دینی معمولاً، با دیگر مذاهب معاشرت کمتری دارند، با وجود این، ارتباطات درونی آنها با یکدیگر نزدیک‌تر است و تحقیقات محلی نشان می‌دهد که در گذشته، مابین بسیاری از خانه‌های یهودیان درب مشترکی بوده است که در صورت ضرورت، تردد نه از کوچه، بلکه از آن در بوده است. در این محله، اتاق پذیرایی در خانه، ساده و الگوی سه‌دری و پنج‌دری رایج در محلات دیگر، در خانه‌ها دیده نمی‌شود.

۳. ضرورت رعایت حقوق همسایه و دورکردن او از خطر در تورات و در چند جا، تحت عناوین مختلف ذکر شده است؛ ازجمله در ده حکم یا ده فرمان که اهمیتی ویژه نزد یهود دارد، چنین آمده است: «به ناموس و اموال همسایهٔ خود طمع نورز» و در ادامهٔ تورات در کتاب لاویان می‌گوید: «همسایه‌ات را چون جان خودت دوست بدار[۱]» (سلیمانی، ۱۳۸۰). همچنین می‌گوید: «چون خانهٔ نو بنا کنی، بر پشت بام خود دیواری بساز، مبادا کسی از آن بیفتد و خون بر خانهٔ خود بیاوری[۲]». در این محله نیز خانه‌ها همسایه‌ها را در معرض حقوق یکدیگر قرار نداده است.

٤. در طول تاریخ، یهودیان نگاه امنیتی به اطراف خود داشته‌اند. تا جایی که تاریخ صدر اسلام گواهی می‌دهد، آنها هر زمان در کنار ملتی دیگر قرار گرفته‌اند، ابتدا حدود خود را با علائم نشانداری همچون اختلاف سطح و حصار از دیگران مجزا نموده‌اند[۳]. مساحت زیادی از این محله تقریباً در گودی به عمق پنج‌متر نسبت به محلات همجوار قرار گرفته است. با فرض نامرغوب‌بودن زمین‌های گود برای سکونت در شهر (هرچند این عمق باعث می‌شده است دسترسی آنها به آب زیرزمینی سهل‌تر پیدا کند)، علت سکونت در این محله قرارگیری آن در داخل حصار شهر است (تصویر۳)، که امنیت بیشتری را برای ساکنان موجب می‌شود؛ برعکس محلهٔ زرتشتیان، که برای

۱. به این موضوع در عهد عتیق و در بخش ۱۸ کتاب لاویان نیز اشاره شده است.
۲. این موضوع در عهد عتیق و در بخش ۲۲ کتاب تثنیه آورده شده است.
۳. به‌عنوان مثال، در خیبر و فدک و قلعهٔ بنی‌قریظه، نزدیک مدینه، در زمان بعثت حضرت رسول(ص)، آنها درون قلعه و حصارهای بلند زندگی می‌کردند. هم‌اکنون نیز در فلسطین اشغالی، در حال کشیدن دیوار و حصار بتنی به‌طول ۷۰۰ کیلومتر به‌دور خود هستند که نشان از نهادینه‌شدن این ویژگی در آنهاست. *قرآن کریم* با بیان یک اصل کلی (ازجمله دربارهٔ یهودیان بنی‌نضیر) می‌فرماید: «لا یُقاتلُونَکُمْ جَمیعاً إلاّ فی قُریً مُحَصَّنَهٔ أوْ منْ وَراء جُدُر...»؛ «اینها (یهود و منافقین) دسته‌جمعی با شما نمی‌جنگند، مگر در داخل قریه‌هایی محکم و یا از پس دیوارها...» (سورهٔ حشر، آیهٔ ١٤).

www.SID.ir

Archive of SID

دسترسی به زمین‌های مرغوب کشاورزی حاشیهٔ شهر در خارج از حصار شهر قرار داشته است. با وجود این، تمایز معماری محلهٔ دولت‌خانه با محله شهر و زریسف مشخص است.

۵. ویژگی دیگر این محله، بافت فشرده و متراکم آن است (تقریباً همهٔ خانه‌ها یک‌حیاطه است) تاجایی‌که نسبت به دو محلهٔ دیگر، عرض کوچه‌ها کمتر و مجاورت خانه‌ها با کوچه‌های بن‌بست بیشتر شده است. روند تاریخی شکل‌گیری زندگی شهری بنی‌اسرائیل نشان می‌دهد که خانه‌سازی آنها با مجاورت، مقابل هم بودن و دسترسی آسان به داخل یکدیگر همراه بوده است. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «وَ أَوْحَيْنا إِلى مُوسى وَ أَخيهِ أَنْ تَبَوءا لِقَوْمِكُما بِمِصْرَ بُيُوتاً وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقيمُوا الصلاةَ وَ بَشرِ الْمُؤْمنينَ»؛ «و ما به موسی و برادرش وحی کردیم که در سرزمین مصر برای مردمتان فکر خانه کنید و خانه‌هایتان را پهلو و مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید و نماز بخوانید و مؤمنان را بشارت ده (که سرانجام پیروز می‌شوند)».[1]

مفسران «کلمهٔ قبله را در آیهٔ فوق به معنای آن حالتی می‌دانند که باعث می‌شود دو چیز مقابل هم قرار گیرد. (زیرا قبله در اصل، به معنی حالت تقابل است و اطلاق کلمهٔ قبله بر آنچه امروز معروف است، درحقیقت معنی ثانوی برای این کلمه است.) (تفسیر نمونه، ج۸: ۳۷۰-۳۷۲)، و معنای جملهٔ «وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» این است که خانه‌های خود را مقابل یکدیگر بسازید، به‌گونه‌ای که بعضی روبه‌روی بعضی دیگر و در جهتی واحد قرار بگیرند. و منظور از این فرمان این بوده است که موسی(ع) و هارون(ع) بتوانند برای امر تبلیغ دسترسی به آنان پیدا کنند و آنها بتوانند نماز را به جماعت بخوانند (ترجمهٔ تفسیر المیزان، ج۱۰: ۱٦۸). از نکات جالب توجه هم‌جواری یهودیان و زرتشتیان در این محله است که می‌تواند گواهی بر اشتراکات آنها باشد. محققان در موضوع تأثیر دین زرتشت بر دیگر ادیان معتقدند که پس از تصرف بابل توسط کوروش و آزادی یهودیان، «دین اوستایی در عقاید یهودیان تأثیر شدیدی نمود. در بخش‌های تورات که پس از این برخورد شکل گرفته‌اند، تأثیر دین ایرانیان را می‌توان مشاهده کرد که این موضوع از الواح کشف‌شده در بحرالمیت بهتر روشن می‌شود. ولی دین زرتشت برعکس یهود، که خدای قوم بنی‌اسرائیل را می‌پرستند، به خدای جهانی معتقد است» (آشتیانی، ۱۳٦۸: ٤۵). پس دربارهٔ محلهٔ یهودیان می‌توان نتیجه گرفت:

۱. *قرآن کریم*، سورهٔ یونس، آیهٔ ۸۷.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر٦. از راست، ۱. سردر خانهٔ ش۷ در محلهٔ زریسف؛ ۲. سردر خانهٔ ش٦ در محلهٔ شهر؛ ۳. سردر خانه‌ای در محلهٔ (دولت‌آباد) یهودیان.



جدول۱. تطبیق خانه‌های محلات مسلمان‌نشین، زرتشتی‌نشین و یهودی‌نشین کرمان

محلات	محلهٔ شهر (مسلمان‌نشین)	زریسف (زرتشتی‌نشین)	دولت‌خانه (یهودی‌نشین)
الگوی پذیرایی	پذیرایی مجزا از حوزهٔ خصوصی و شاخص‌شده با تزئینات. حوزهٔ پذیرایی به‌علت رعایت الگوهای رفتاری شریعت مجزا شده است.	پذیرایی مجزا، ولی نه به‌علل مذهبی، بلکه به‌دلایل معاشرتی، پذیرایی نزدیک ورودی عموماً جهت پذیرایی از غیرهم‌کیش.	اکثریت خانه‌ها دارای پذیرایی مجزا، ولی ساده.
الگوی حریم	نشیمن و پذیرایی مجزا شده و گاهی حیاط درونی و بیرونی شکل گرفته است. خانه‌ها یک، دو و گاهی سه حیاط و خانه دو درب‌کوبه دارد.	معمولاً سه حیاط، شامل یک حیاط بزرگ و دو کوچک؛ الگوی بیرونی و درونی وجود ندارد؛ برخی از خانه‌ها دو درب‌کوب دارد.	خانه‌ها تک‌حیاطی است. خانه‌های قدیمی که تغییر نکرده، دو درب‌کوب دارد.
الگوی نما	آجرکاری با هندسهٔ تجریدی؛ رنگ‌های همساز با طبیعت.	آجرکاری‌تجریدی و گاهی نقوش طبیعی؛رنگ‌های‌همسازباطبیعت.	کاه‌گل ساده؛ رنگ‌های همساز با طبیعت.
موارد خاص	اتاق والدین از فرزندان مجزا شده است.	اتاق مخصوص زنان در دورهٔ وضع حمل و جدایی.	اتاق مخصوص زنان در دورهٔ جدایی زنان.[1]
همسایگی	تعرض‌نکردن به حریم همسایه؛ عموماً لبهٔ بام بلند؛ نبود پنجرهٔ رو به کوچه.	تعرض‌نکردن به حریم همسایه؛ گاهی لبهٔ بام بلند؛ نبود پنجرهٔ رو به کوچه.	تعرض‌نکردن‌به‌حریم‌همسایه‌ها؛ بام‌ها دارای لبهٔ کوتاه؛ نبود پنجرهٔ رو به کوچه.
جهت‌گیری	جهت قبله (شمال‌شرقی ـ جنوب غربی).	تقریباً شرقی‌غربی.	عموماً شمال‌شرقی ـ جنوب غربی
نوع بافت	بافت متمرکز با میدان و فضای عمومی و آزاد همانند تکیه و حسینیه‌ها.	خانه‌باغ با فضای باز که داخل خانه است. تنها فضای عمومی، آتشکدهٔ مرکزی کرمان	بافت متراکم با کمترین فاصله بین خانه‌های مستقل. فضای باز عمومی وجود ندارد.
مفصل فضا	مفصل روباز حیاط و مفصل راهرویی مابین اتاق‌ها و مفصل منتظم هشتی.	مفصل روباز حیاط و راهرویی مابین اتاق‌ها و مفصل منتظم هشتی.	فقط مفصل روباز حیاط.
نشانهٔ خانه	سردر بزرگ با ذکر آیات خاص از قرآن کریم.	سردر بزرگ بدون ذکر خاص.	تقریباً بدون سردر، یا سردر کوچک و ساده.

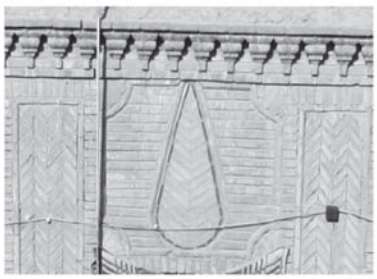
www.SID.ir

Archive of SID

تعالیم دینی موجود یهود دربارهٔ ارتباطات قومی و ضرورت اذیت‌نکردن همسایه، عامل مهمی در ایجاد الگوی همجواری خاص خانه‌های یهودیان شده است (با این توضیح که در اسلام، ضرورت رعایت این موضوع برای تمام انسان‌ها، هم‌کیش یا غیر آن وجود دارد). هرچند الگوی حریم و مهمان‌نوازی خانه‌های محلهٔ یهودیان به‌سبب همجواری با خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان متأثر از آنهاست، با این حال، به‌علت نوع مصالح، الگوی همجواری ورودی و حذف مفصل بین اتاق‌ها و نظم فضایی هماهنگ با باورهای دینی، بیشتر خانه‌های این محله با دو محلهٔ دیگر متمایز است. خلاصه‌ای از این تمایزها در جدول یک ذکر شده است.

تصویر۷. از راست، ۱. خانهٔ ش۵ در محلهٔ شهر؛ ۲. خانه‌ای زرتشتی‌نشین در محلهٔ یهودیان (خانهٔ ش۹)





فصلنامه علمی-پژوهشی
۲۲
دوره سوم
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۹

نتیجه‌گیری

صلح و آرامش، اساسی‌ترین عنصری است که بافت روابط اجتماعی و نظام دوستی را در اسلام تشکیل می‌دهد، لذا از اهداف مهمی که باید در برنامه‌ریزی شهری دنبال شود، کشف و شناخت این سیستم و کمک به فراگیرشدن آن در ارتباطات اجتماعی است. کرمان شهری با تکثر فرهنگی و محلات متعلق به اهل کتاب است و این ادیان اجازه داشته‌اند با آرامش و مطابق با دین و سنن خود خانه‌های حیاط‌دار داشته باشند. در این میان، پیروان هر دین سعی کرده‌اند که ویژگی‌های متمایز فرهنگی خود را با زبان معماری بیان کنند. هرچند بلندمرتبه‌سازی‌های کنونی باعث اشراف بر خانه‌های حیاط‌دار شده و این الگو عملاً، از زندگی شهری حذف شده است. با وجود این، شناخت عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگ بر جامعه و معماری متناسب با آن در شهر کرمان اهمیت خود را حفظ کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

این مقاله نشان داد فرضیه‌ای که «الگوی خانهٔ زرتشتیان و یهودیان را تحت‌تأثیر رسوم دینی خودشان می‌داند»، به‌علت نبودن توصیه‌های خاص در منابع درجهٔ اول آنها، همانند تورات و اوستا، اثبات نمی‌شود. همچنین از نتایج این پژوهش می‌توان فهمید که چون فضای معماری فرهنگ‌پذیر بوده است و فرهنگ نیز بر معماری تأثیر می‌گذارد، لایهٔ اول وحدت‌بخش معماری خانه‌های کرمان، ناشی از فرهنگ اسلامی، به‌عنوان فرهنگ حاکم، و در اصولی همچون حفظ حریم خصوصی، رعایت حقوق همسایه و تکریم مهمان بوده است که با توجه به پذیرش آن توسط همهٔ مذاهب، این قابلیت وجود دارد که در زمان حال نیز پذیرفته و به آن توجه شود. لایهٔ دومی که بر معماری خانهٔ یهودیان و زرتشتیان مؤثر بوده است، ذیل عقاید و رسوم مذهبی آنها، با بازتعریف و حدودبخشی به این اصول، فضاهای خاصی را مطابق با فرهنگ دینی آنها و در پاسخگویی به موضوع امنیت، معیشت و دستورات شریعت در رابطه با زنان و هم‌کیشان، به‌وجود آورده است.

این تحقیق نشان می‌دهد همجواری زرتشتیان با مسلمان موجب شده است که آنها مذهب خود را با رویکردی اسلامی و ایرانی تفسیر و توجیه کنند و معماری آنها به معماری مسلمانان بسیار شبیه شود. یهودیان نیز به‌عنوان بخشی از مردم ایران، با توجه به اهمیت موضوع امنیت برای آنها، نوعی از معماری را انتخاب کرده‌اند که به این خواستهٔ آنها پاسخ بگوید؛ هرچند زندگی در کنار مسلمانان و پذیرش قواعد عمومی دین حاکم، به زندگی و عقاید آنها تعادل بخشیده و آنها را بخشی از جامعه و ملت ایرانی کرده که باید برای تعالی آن تلاش کنند. با وجود این، محقق پیشنهاد می‌کند تا برنامه‌ریزان در تدوین ضوابط راهنمای طراحی و نوسازی این محلات، با پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، مقرراتی را وضع کنند که حریم و امنیت روانی مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان حفظ شود.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

قرآن کریم (۱۳۷٤) ترجمهٔ ناصرمکارم شیرازی ، تهران و قم: دارالقرآن کریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی».

آشتیانی، س. ج. (۱۳٦۸) *تحقیقی در دین یهود*، تهران: نگارش.

اوشیدری، ج. (۱۳۷۹) *نور، آتش، آتشکده در آئین زرتشت*، تهران: سعدی.

پایگاه تخصصی فلسفه و دین (۱۳۸۹) متن فارسی *تورات* و *انجیل*: http://mejmarah.com.

جامع تفاسیر نور (۱۳۸٤) (سی‌دی دائره المعارف چندرسانه‌ای قرآن کریم)، تهران و قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

جوادی‌آملی، ع. (۱۳۸۸) *اسلام و محیط زیست*، قم: اسراء.

خان‌وزیری، ا. ع. (۱۳۵۸) *تاریخ کرمان*، مقدمهٔ باستانی پاریزی بر کتاب، تهران: علمی.

دانشور، م. (۱۳۸۸) *محله‌های قدیمی شهر کرمان*، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

دوستخواه، ج. (۱۳۸۵) *اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان*، تهران: مروارید.

رئیسی، م. (۱۳۷۵) «بررسی خانه‌های زرتشتیان یزد»، پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد از دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.

رضوی، ر. (۱۳۸۸) «بازکاوی تاریخ و آموزه‌های زرتشت»، منبع: http://www.binesheno.com.

سرمد ز. و ع. بازرگان (۱۳۸۷) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگه.

سلیمانی ح. (۱۳۸۰) «مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود»، *هفت‌آسمان*، فصل‌نامهٔ تخصصی ادیان و مذاهب، شمارهٔ نهم و دهم.

شاطریان، ر. (۱۳۸۷) *اقلیم و معماری ایران*، تهران: سیمای دانش.

علی‌آبادی، م. (۱۳۸۰) *تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله*، تهران: مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزرات مسکن و شهرسازی.

عینی‌فر، ع. (۱۳۸۷) «تحول نظریه‌های انسانی و محیط و نقش آن در تدوین دانش پایهٔ معماری»، *اندیشنامه* (مجموعه مقالات میان‌رشته‌ای)، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

غزالی طوسی، م. (۱۳۵۵) *کیمیای سعادت*، تهران: کتاب‌های جیبی.

قراملکی، ا. (۱۳۸۵) *روش‌شناسی مطالعات دینی* (تحریری نو)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

کریستین‌سن، آ. (۱۳۷۸) *ایران در زمان ساسانیان*، تهران: صدای معاصر.

کسمایی، م. (۱۳۸۵) *اقلیم و معماری*، اصفهان: خاک.

کلینی، م. (۱۳٦۲) *کافی*، تهران: امیری.

www.SID.ir

Archive of SID

گروت، ل. و د. وانگ (۱۳۸٤) *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمهٔ علیرضا عینیفر، تهران: دانشگاه تهران.

گندمی، ر. (۱۳۸٤) «اندیشهٔ قوم برگزیده»، *هفت‌آسمان*، فصل‌نامهٔ تخصصی ادیان و مذاهب.

مرتون، اس. (۱۳٥٦) *تاریخ و فرهنگ ژاپن*، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.

مطهری، م. (۱۳۸۷) *حجاب*، تهران: صدرا، و مجموعه‌آثار استاد شهید مطهری، ج۱۹.

معماریان، غ (۱۳۷۳) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی«گونه شناسی درون‌گرا»، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

معماریان، غ. (۱۳۸۷) *معماری ایرانی*، تهران: سروش دانش.

نصر، س. ح. (۱۳۷٥) *جوانان مسلمان و دنیای متجدد*، ترجمهٔ مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.

هیلنز، ج. (۱۳٦۸) *شناخت اساطیر ایران*، ترجمهٔ ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: سرچشمه و کتاب‌سرای بلبل.

AA, VV. (1985) *Lessons From Islam*, London: Islamic Seminary Publications.

Durant, W. (1956) *A Story of Civilization*, (part1, our oriental Heritage), PP. 373-375.

Gifford, R. (1998) *Environmental Psychology: Principles and Practice*, 2nd ed, Allyn and Bacon: Boston.

Hansson, Mats G. (2008), *The Private Sphere: An Emotional Territory And Its Agent*: New York: Springer.

Memarian, G. & F.E. Brown (1998) "Pattern of Privacy and Hospitality in the Traditional Persian House", *International Association For The Study Of Traditional Environments*, Vol. 220(3): 181-198.

_____ (2003) "Climate, Culture, and Religion, Aspects of The Traditional Courtyard House in Iran", *Journal of Architecture & Planning Research*, Locke Science Publishing Company.

Monestrioli, A. (1979) *L'Architettura della realta'*, Milano: Politecnico di Milano.

Rapoport, A. (1969) *House Form and Culture*, Prentice-Hall, Inc., Englewood Cliffs, N.J.

Tange K., Ishimoto Y. and Gropius W. (1972) *Katsura: Tradition and Creation in Japanese Architecture*, Yale University Press: New Haven.

www.SID.ir



کدفایل:قطب علمی معماری اسلامی-معماری اسلامی